

کار تازه‌ای از «اجرتون»



جوبل اجرتون (راست) در کنار لوکاس هبز |

جوبل اجرتون بازیگر میانسال مرد آمریکایی که در اواخر سال ۲۰۱۵ با نخستین فیلمش در مقام کارگردانی باعنوان «هدیه» که تمی مرموز داشت، بسیاری را به تحسین خود وا داشت، در دومین فیلمش در این مقام که از ۶ مهرماه ۱۳۹۷ در سطح جهان به نمایش در می‌آید، کتاب زندگی‌نامه‌ای و مبتنی بر واقعیت و پرفروش‌سال ۲۰۱۶ گاردارد کانلی را دستمایه کارش قرار داده و نام «پسر حذف شده» را برای فیلمش برگزیده است. این فیلم با بازی لوکاس هبز بازیگر نوجوان و موفق فیلم‌های «منچسترکنار دریا» (لیدی برد» درباره پسر بدکردار یک اسقف کلیسا (با بازی راسل کرو) در شهری کوچک در ایالت آرکانزاس امریکا است که وقتی پدر و مادرش (نیکول کیدمن) تصمیم به اصلاح وی می‌گیرند و یک مشاور اجتماعی (اجرتون) را استخدام می‌کنند، عملاً یک جنگ بزرگ فکری و زبانی را بین دو سو پایه می‌گذارند.

توقعات بزرگ از فیلم تازه اصغر فرهادی

اصغر فرهادی سینماگر مجرب ایرانی که با «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» اسکارهای برترین فیلم‌های «خارجی» (غیرانگلیسی‌زبان) سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ را صید کرد، فیلم جدیدش را راهی کن فرانسه کرده است‌تا در جدیدترین دوره معتبرترین جشنواره سینمای جهان که از ۱۸ اردیبهشت ماه آغاز می‌شود، به‌عنوان فیلم افتتاحیه به نمایش درآید و اوون گلبرمن منتقد مطرح سینمای آمریکا هفته پیش از توقعات بزرگی گفت که از کار دلپره‌آور جدید فرهادی می‌رودو متذکر شد که درخشش احتمالی این فیلم (با نام «همه می‌دانند») می‌تواند مقدمات یورش تازه فرهادی به سوی اسکاری دیگر باشد. این فیلم اتفاقاتش در اسپانیا و با استفاده از بازیگران نامدار همین کشور همچون پنه‌لوپه کروز و خاوی‌یر باردو و همچنین ریکاردو دارین آرژانتینی روی می‌دهد.

بازگشت اسپیکتلی با «کلان‌زن سیاه»



از راست، جان دیوید واشینگتن، جوردن پیل و اسپیک لی در قالب خاتقان «کلنزن سیاه» |

اسپیکلی کارگردان سیاهپوست آمریکایی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و طول دهه ۱۹۹۰ آثار موفقی در زمینه تبعیض نژادی همچون «کار درست را انجام بده»، «تب جنگل» و «هالکوم ایکس» را ارائه داد و سپس در جاده تکرار افتاد و کارهای بعدی‌اش با فیلم‌های فوق برابری نکرده است، تهیه فیلم جدیدش را که به‌نظر می‌رسد او را به دوران اوجش بازگرداند باشد، به پایان رسانده است. این فیلم «کلان‌زن سیاه» نام دارد که براساس یک رویداد واقعی و شرح زندگی ران استال وورت ساخته شده است. استال وورت یک کار آگاه پلیس سیاهپوست بود که برخلاف اهداف و منافع نژادش باعث و بانی تحکرات بیشتر گروه‌های موسوم به کوکلس کلان‌ها در ایالت کلورادوی آمریکا شد و حتی به فرماندهی یکی از عمده‌ترین این گروه‌ها که سیاهان را سرکوب می‌کردند و می‌کنند، منصوب شد و اطلاق عنوان «کلان‌زن سیاه» به این فیلم به همین سبب صورت پذیرفته است. جالب‌تر اینکه جوردن پیل که اسمال اسکار گرفت از تهیه‌کنندگان این فیلم است و ایفای نقش اصلی یعنی استال وورت به جان دیوید واشینگتن پسر دنزل واشینگتن معروف سپرده شده که ۲۶ سال پیش با هدایت اسپیکلی در قالب هالکوم ایکس مبارز بزرگ راه آزادی سیاهان درخشید.

سر نوشت نامشخص فیلم کوین

خیلی‌ها از حالا برای روز ۵دی ماه امسال انتظار می‌کشند زیرا زمان عرضه فیلم «رایسودی بوهه‌میان» است که چهار، پنج سال روی آن کار و برنامه‌ریزی شده و براساس زندگی و دستاوردهای گروه موسیقی کوین انگلیس و بویژه «فردی مرکوری» ساخته شده که لیدر و خواننده اصلی آن گروه بود و در سال ۱۹۹۱ و اندک مدتی بعد از عرضه آلبوم دیگری از کوین درگذشت و پس از آن کوین نیمه‌تعطیل و سپس به‌کلی راکد شد و به‌رغم برگزاری برخی کنسرت‌ها و عرضه بعضی تک ترانه‌ها طی ۲۷ سال بعدی هرگز احیا‌نشد. مشکل اصلی فیلم «رایسودی بوهه‌میان» که عنوان آن نام یکی از مشهورترین ترانه‌های دهه ۱۹۷۰ این گروه به شمار می‌آید، این است که براین سینگر کارگردان مشهور فیلم فقط دو هفته قبل از تمام فیلمبرداری به سبب یک خطای بارز اخلاقی از این پروژه اخراج شد و هیچ‌کس نمی‌داند کمپانی سازنده فیلم با این موضوع چه می‌کند و آیا نام سینگر در عنوان‌بندی می‌آید یا حذف می‌شود.

سفر خالق «لالاند» به کره ماه



رایان گاسلینگ (چپ) تبدیل به نیل آرمسترانگ (راست) می‌شود |

آخرین باری که فیلمی از دیمیجی بین چاره‌زه (یا سازل) رو شد، جوایز اصلی اسکار را ربود و آن فیلم همانا موریکال نوین و سرشار از ابداعات «لالاند» در سال ۲۰۱۶ بود و بر همین منوال خیلی‌ها منتظرند فیلم تازه وی را که ۳۶ سال بیشتر ندارد، ببینند و این یکی که «نخستین مرد» نام دارد، برخلاف کار قبلی او نه فیلم فانتزی و هنری بلکه کاری مبتنی بر واقعیت و دربارہ رقابت بزرگ امریکا و شوروی در اکتشافات و سفرهای فضایی در دهه ۱۹۶۰ است که در ظاهر به پیروزی آمریکا در سال ۱۹۶۹ و نشست سفیه آپولوا در سطح ماه منجر شد اما بعداً گفته شد این رویداد و سفر آپولوهای قبلی و بعدی به‌کره‌ماه یک جعل تاریخی بوده و فیلمسازانی مجرب در هالیوود آن را شبیه‌سازی کرده‌اند و اصلاً سفری به ماه صورت نگرفته است. به‌هر روی «نخستین مرد» متمرکز بر پرواز آپولوا و بخصوص نیل آرمسترانگ است. که از جمع ۳۰۳ نفرین آن سفینه نخستین نفری بود که پایش را روی کره ماه گذاشت و شهرت بزرگ- و البته نادبی- را به‌هم زد. ایفای نقش آرمسترانگ در این فیلم با رایان گاسلینگ است که جوان اول فیلم «لالاند» هم بود.

فیلم هفته
وصال روحانی
روزنامه نگار

«شب بازی» یک کمدی پرتعلیق همراه با بارقه‌های ترس درباره شش مرد و زن میانسال در گوشه‌ای از امریکا است که به قصد تفریح در پایان هفته وار دیک بازی پرهیجان لاتاری می‌شوند اما به‌تدریج درمی‌یابند که این بازی شوخی نیست و شبیه به مسابقات پرطرفدار تلویزیونی سال‌های اخیر غرب با عنوان کلی Reality Games است که فرجام آن حتی می‌تواند یک مرگ واقعی باشد. این فیلم را زوج هنری جان فرانسیس دیلی و جاناتان گولد اشتاین ساخته‌اند که نویسندگان مشترک فیلمنامه «رؤسای افتضاح» (۲۰۱۱) و «اسپایدرمن: بازگشت به خانه» (۲۰۱۷) که ششمین فیلم از فرانچیز بسیار پرسود مرد عنکبوتی به‌شمار می‌آمده، نیز بوده‌اند و سابقه کارگردانی توأمان با‌سازی فیلم پرفروش «تعطیلات» با تم شیرین و خصوصیات یک فیلم جاده‌ای در سال ۲۰۱۵ را نیز داشته‌اند اما این فیلم تازه آنان است که نشانه‌های یختری آتеш‌را بیش از هر یک از کارهای سابق‌شان به نمایش می‌گذارد و این بار سناریوی فیلم را از خود دیلی و گولد اشتاین بلکه مارک پرز نوشته است و مجموعه این آدم‌ها کاری را ارائه داده‌اند که بی‌شابهت به کمدی‌های موسوم به اسکروبال در دهه ۱۹۳۰ هالیوود نیست ولی طبعاً همراه با مشخصه‌های زندگی کنونی است، نحوه بازی هنرپیشه‌های فیلم نیز کمک کرده است تا این داستان غیرمعمول تماشاگران را به دنبال خود بکشاند و بازترین آنها جیسن بیتمن و راشل مک‌آدامز هستند که به ترتیب رل مکس و آنی میانسال را بازی می‌کنند که به‌رغم گذشت چند سال از زمان ازدواج‌شان هنوز علاقه روز نخست را به یکدیگر دارند و مثل چچه‌ها بازیگوشی می‌کنند.

درباره «شب بازی»، فیلم کمدی – ترسناک تازه‌ای از جان فرانسیس دیلی و جاناتان گولد اشتاین

بازی مرگی که اصلاً شوخی بردار نیست!

برخی می‌گویند «شب بازی» مدلی تغییر یافته از فیلم نه‌چندان جدی «بعد از نیمه‌شب» و کن سال ۱۹۸۴ مارتین اسکورسیسی است اما تشبیه صحیح‌تر آن است که ادعا کنیم «Night Game» ادغامی از «چشم‌ان کاملاً بسته» کار پرتعلیق و پست‌مدن سال ۱۹۹۹ استنلی کوبریک و «باشگاه مبارزه» فیلم واقعی - قدری خیالی سال ۱۹۹۷ دیوید فینچر است، البته منوط به این‌که چنین ادغام و مکانیسم مشترک امکانپذیر باشد.

■ **پرس و جوی دائمی**
در نهایت مکس و آنی در مسیر بازی‌ای که از آن یاد کردیم و شبیه به بازی‌های ویدیویی ولی با دیرداشتن آدم‌های زنده است، با آدم‌ریاهایی مواجه می‌شوند که براساس داستان باید صوری و جعلی باشند اما فیلمسازان با ایجاد این شباهت و تریدید که شاید همه چیز هم صوری و گمان نباشد، بر مسائل موجود و جذابیت‌های داستان

جک رینور از «رؤیاهای الکتریکی» و نوشته‌های فیلیپ کی دیک می‌گوید

آرزوی هر روباتی است که به انسان تبدیل شود



جک رینور (راست) و روبات مخلوق فیلیپکی دیک، در سمنه‌ای از مجموعه «رؤیاهای الکتریکی» |

بسیاری از مسائل را از وی پرسیدم و او به من تأکید کرد به سحر و جادو به چشم یک رویداد، فرآیند واقعی نگاه کنم. اعتقاد او این بود که جادو چیزی بین تفکر آدمی و هدف و مقصد اوست و جایی در آن حوالی آرمیده است.

■ **فیلیپ کی دیک به‌زندگی قبلی افراد**
در گذشته و به فرضیه تناسخ اعتقاد زیادی داشت. آیا شما همین‌زمین‌گونه به‌زندگی نگاهمی‌کنید؟

فکر می‌کنم تفکر انسان در این خصوص همچنان خام و فاقد برهان کافی باشد و اصلاً انسان هنوز برداشت درستی از مقوله زمان و فضا و حیات در اشکال و چارچوب‌های ماورایی‌نبی ندارد. بر همین اساس شاید صحبت من با شما و چیزی مشابه آن ده‌ها دقیقه پیش در یک چارچوب زبستی متفاوت در جای دیگری رخ داده باشد. برداشت و دیدگاه‌های علمی‌ما از یک بستر همیشه در حال تغییر می‌آید و فلسفه زیست به ده‌ها شکل ترسیم و ارائه شده است و وجود این توضیحات باید به این نتیجه بدیهی رسید که زندگی افراد در گذشته و بازگشت‌شان به کره خاکی در پیکر آدمی نمی‌توان دربارۀ آن رای قاطعی داد.

■ **خیلی‌ها می‌گویند فیلیپ کی دیک**
ادگار آلن پو نیز مسافرانی از زمان آینده بوده‌اند و به همین سبب این همه نوشته‌هایشان اطلاعات درست و بالسنبه می‌افزایند. در این صحنه‌ها اظهارات آنی چندین متفاوت با چیزهایی نیست که از کاراکتر آماندا پلامر در فیلم به یادماندنی «پاپ فیکشن» کن سال ۱۹۹۴ کوشن‌تین تاران‌نینوشیده‌ایم. کاراکترهای جنبی فیلم هم در کار خود موفق‌اند و میشل (کایلی بان‌بری) و کوین (لامورن موریس) از آن هم در کار خود موفق‌اند و البته رفتار او به شکلی می‌آورد تو گویی و جوهی از شخصیت‌های سینمایی گاه مرموز و منفی و مضر فیلیپ سیمورافمن قفید را در وجود اغلب مثبت مت دیدمن کاشته باشد.

■ **منبع:** Observer

عنوان: «شب بازی»
محصول: کمپانی‌های نیولاین و برادران وارنر
تهیه‌کنندگان: جان دیویس، جان فاکس و مارک اس فیشر
سناریست: مارک پرز
کارگردانان: جان فرانسیس دیلی و جاناتان گولد اشتاین

مشخصات فیلم:

■ **مدیر فیلمبرداری:** پری پترسون
■ **تدوینگران:** دیوید آگان، جیمی گراس و گرگوری پلاکتین
■ **بازیگران:** جیسن بیتمن، راشل مک‌آدامز، کایلی چندلر، جسی پله مونز، بیلی مگنوسن، شارون مورگان، لامورن موریس، کایلی بان‌بری، مایکل سی‌هال، جفری رایت، دنی هیوستون و چلسی پرهتی



جیسن بیتمن (راست) و راشل مک‌آدامز (چپ) در نمایی از فیلم «شب بازی» |

که موضوع فیلم پیرامون آن است و به همین سبب و به‌رغم ۱۰۰ دقیقه‌ای بودن قدری کشدار و طولانی به نظر می‌رسد. ایده می‌گیرند و این فرآیند کمک کرده است که برخی صحنه‌ها وسکالس‌های کلاشان در این دنیای پرفریب پس معرکه آوردند و یکی از بزرگترین درسی می‌دانند که زندگی‌های بی‌رحمانه کنونی به آنها داده است. بروکس به عنوان برادر بیش از حد واقعیین مکس نمونه روشنی در این ارتباط است. او برخلاف مکس اوج گرفته است، امنیت می‌کند و بدش نمی‌آید که در همان داخل زندگی کنسدا در نهایت این فیلم که مربوط به یک بازی به‌ظاهر سرگرم‌کننده و به‌واقع خطرناک و مرموز است، خود به یک بازی از نوع و جنسی تبدیل می‌شود

باشد اما حقیقت امر هرچه باشد، در این شکی نیست که آنها بیش از هر چیزی از گزینه و اپنکارهای شخصی خود نیرو و ایده می‌گیرند و این فرآیند کمک کرده است که برخی صحنه‌ها وسکالس‌های خاص و موفق را در قالب این فیلم فراهم آوردند و یکی از آنها نمایی است که در خانه سردسته گانگسترها (دنی هیوستون) شکل می‌گیرد و او به شکلی به تصویر کشیده شده است. بروکس به عنوان برادر بیش از حد واقعیین مکس نمونه روشنی در این ارتباط است، او برخلاف مکس اوج گرفته است، امنیت می‌کند و بدش نمی‌آید که در همان داخل زندگی کنسدا در نهایت این فیلم که مربوط به یک بازی به‌ظاهر سرگرم‌کننده و به‌واقع خطرناک و مرموز است، خود به یک بازی از نوع و جنسی تبدیل می‌شود

را در «ایرلندی»، ایپک جدید گانگستری مارتین اسکورسیسی هم برعهده گرفته، در «شب بازی» در قالب یک افسر پلیس سختگیر و فردی که قدم به قدم مکس و آنی را در بازی بی‌سرنجام آنها تعقیب می‌کند، حضوری موفق دارد و البته رفتار او به شکلی است که بیشتر مزاحمان اجتماعی را به یاد می‌آورد تو گویی و جوهی از شخصیت‌های سینمایی گاه مرموز و منفی و مضر فیلیپ سیمورافمن قفید را در وجود اغلب مثبت مت دیدمن کاشته باشد.

■ **از بازیگری تا کارگردانی**
شاید این نکته که دیلی و گولداشتاین سال‌هاییش زیراختن به کارگردانی بازیگر فیلم‌ها بودند، به آنها در جا افتادن هرچه بیشتر طرح‌های سینمایی‌شان یاری رسانده

خطرات و تهدیدهایی

نه چندان جدی

ران سلتون که اغلب فیلم‌های کمدی موفق‌اش تم‌های اجتماعی عامه‌پسندی داشته‌اند، پس از فروزون‌تر از ۱۰ سال رکود فیلم جدیدش را که یک کمدی- اکشن به نام «تازه آغاز کرده‌اند»، عرضه کرده‌است ولی این فیلم تازه به‌رغم بهرهوری از دو هنرمند اسکاری معروف مثل مورگان فریمن و تامی‌لی جونز وقصه‌ای که دراصل و پایه ضعیف نیست، با کارهای خوب قبلی وی همچون «بول دورهام»، «مردان سفیدپوست نمی‌توانند بی‌برند» و «جام نازک» برابری نمی‌کند. اتفاقات فیلم در ایام کریسمس اما در منطقه پالم اسپرینگز در ایالت گرم کالیفرنیا ی آمریکا می‌دهد و به همین سبب سردی هوا و فرهنگ کریسمس که با این فضای گرم در تعارض کامل است، از وجوه بارز و جالب و سؤال برانگیز فیلم به‌شمار می‌آید.

در چنین محیطی یک مرد سیاهپوست مسن به‌نام دوک (مورگان فریمن) حرف اول را می‌زند و نه تنها به لحاظ ثروت و نفوذ اجتماعی پیشتازی می‌کند بلکه برخی زنان منطقه با هدف تصاحب ثروت وی بدشان نمی‌آید که او را به ازدواج با خود ترغیب و وادار کنند. این پسات دایر و اوضاع دوک مساعد است تا اینکه یک روز مردی تازه وارد از قریب همسن با دوک ولی برخلاف وی سفید پوست و نامش لئو (تامی لی جونز) است، از راه می‌رسد و لیدر آن محل می‌شود و در حالی که مرموز و خویششندار نشان می‌دهد، دوک را به مبارزه در زمین گلف و عرصه‌های اجتماعی فرامی‌خواند. لئو تنها خطر تازه‌ای نیست که دوک را تهدید می‌کند و یک زن تبهکار (جین سیمور) و دار و دست‌ها هم در آن منطقه مستقر می‌شوند و اندک مدتی بعد که این زن دوک را می‌بیند، متوجه می‌شود وی همان مردی است که چند سال پیش در یک محاکمه قضایی به‌عنوان شاهد علیه‌خاندان وی شهادت داد و در نتیجه تصمیم به انتقام و حذف وی می‌گیرد. برای دوک هم



از راست، مورگان فریمن، ران سلتون و تامی لی جونز در پشت صحنه «تازه آغاز کرده‌اند» |

چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه برای نجات خود به سمت لئو برود و با اینکه از وی به‌عنوان رقیبش خوشش نمی‌آید، کمک‌او را بطلد. دوک تا آن زمان نیز با یاری مقام‌های محلی توانسته بود خودش را از دسترس خفاکاران فوق مخفی نگه‌دارد و از بهره‌های حضور در یک برنامه «حمایت از شاهدان» برخوردار شود. اگر با همه توضیحات و خط داستانی فوق «تازه آغاز کرده‌اند» به جمع فیلم‌ها برتر ران سلتون نمی‌پیوندد و نمره قبولی صند درصد نمی‌گیرد، به این سبب است که نمی‌تواند برای کاراکتر اول خود یعنی دوک تعلیق و خطری جدی را ایجاد کند که طبق قصه‌اش موظف به خلق آن است و ببیند هرگز احساس مهلک‌های را نمی‌کند که داستان فیلم مقدمات خلق آن را طی کرده است. البته برخی صحنه‌ها و تکت اتفاقات فیلم برای تماشاگران پدید آورنده برخی لرزش‌ها و هیجان‌ات است (مثل وجود یک مار سمی در یک سبد در بردارنده وسایل گلف) ولی به‌دنبال تعلیقی‌ها ی پر تعدادی از این دست در طول فیلم نگردید زیرا وجود خارجی ندارند هم زن گانگستر وهم لئو که بیش از مثبت بودن یک کاراکتر منفی و جزوچهره‌های بد فیلم است، آن قدر بد نشان نمی‌دهند که دوک واقعاً احساس خطر کند یا ببیندگان به این نتیجه برسند که این آدم‌ها جدأ مضر و خطرناکند و این موجب لنگ زدن فیلم حتی به‌رغم سپرده شدن ادیت تصاویر به هنرمند گفته‌ها و و ماهری همچون پل سیدور شده است.

■ **منبع:** Film Comments